

کالیفرنیا درج شده است. گزارش‌های این شماره مجله به شرح برگزاری کنگره بین‌المللی مجدالدین فیروزآبادی در شیراز و فیروزآباد و نخستین کنگره فلسفه در جهان معاصر (بغداد، ۱۲-۱۴ بهمن ۱۳۷۸) اختصاص دارد. در بخش یاد از درگذشتگان، از شادروانان دکتر نورالله کسایی، دکتر یحیی ماهیار نوایی، پروفیسور موریو اونو، ایران‌شناس ژاپنی، یاد شده است. در بخش تازه‌های کتاب، ۱۸ اثر تاریخی و ادبی که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر کرده معرفی و فهرستی از آثار در دست چاپ انجمن نیز عرضه شده است. ث. پ.

عین‌القضات همدانی، شیخ محمود شبستری، حسام‌الدین چلبی و شمس‌الدین احمد افلاکی استناد می‌جوید. وی، در باب جهان‌نگری عرفانی، از آراء فلاسفه و متفکرانی چون افلاطون، هگل، رنه گنون، اریک فروم، ژول لوبل، چارلز چادویک، اومبرتو اکو و عده‌ای از محققان ایرانی الهام می‌گیرد و به آنان ارجاع می‌دهد ضمن آن‌که از توسل به اشعار مولانا در مثنوی و غزلیات شمس غافل نمی‌ماند.

در بخش آخر مقاله، با عنوان «تعریف و مفهوم رمز»، با اشاره به یکی از غزلیات دیوان شمس، زبان شاعر را این‌گونه توصیف می‌کند که در شعر مولانا، کلمات در معانی متداول و موضوع له خود به کار نرفته‌اند و خود مولانا تصرف در مدلول کلمات، یعنی به کار بردن

(دکتر محمدجان شکوری بخارایی)، «زندانی در غزنین است» (دکتر توفیق ه. سبحانی)، «مروری در تاریخ ریاضیات در زمان ابوالوفای بوزجانی» (دکتر مهدی محقق)، «وصفی از کاخ‌های صاحبقرانیه» (دکتر سید محمد دبیرسیاقی)، «ایران و آسیای میانه به روایت منابع چینی سده‌های سیزده تا هفده» (دکتر هاشم رجبزاده)، «غوغا بود دو پادشه از هر ولایتی» (دکتر محمدرضا نصیری) در معرفی سندی تاریخی متعلق به دوره سلطنت ابوسعید گورکانی (نیمه دوم قرن نهم هجری). در بخش کتاب‌شناسی، ترجمه فارسی اثری به زبان انگلیسی در معرفی چهل و دو کتاب مهم به زبان فارسی در حوزه پزشکی محفوظ در دانشگاه

مقاله

مشتاق‌مهر، رحمان، «بررسی پیوند میان بینش عرفانی و بیان رمزی بر مبنای آثار مولانا»، *نامه فرهنگستان علوم*، شماره ۱۶، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹-۱۲۸.

مؤلف با هدف بیان پیوند میان نوع جهان‌بینی و ماهیت تجارب عارف هنرمند با زبان و بیان رمزی او، با استناد به اشعار مولانا، به اثبات دو فرضیه زیر می‌پردازد:

۱. بیان رمزی مبتنی بر بینش رمزی است و نگرش عرفانی به جهان هستی نگرشی رمزی است.

۲. بیان رمزی با ماهیت تجارب عرفانی پیوندی ناگسستگی دارد.

نویسنده، در تحلیل مطالب و اثبات ادعای خویش، به آراء عارفانی چون ابوحامد غزالی،

اشراف می‌سرودند. اشعار عاشوق‌های ارمنستان متعلق به قرن چهارم میلادی است. از جمله مراکز تجمع عاشوق‌ها در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی ناحیه‌ای بود موسوم به گُقتان.

مضامین اشعار عاشوق‌ها عمدتاً توصیف زندگی اشراف و جود و کرم آنان، وصف مناظر طبیعی، و بیان احساسات عاشقانه است. از قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی عاشوق‌ها به دو دسته تقسیم شدند: گروهی در خدمت اعیان و اشراف باقی ماندند و گروه دیگر در خدمت عامه مردم زحمتکش قرار گرفتند و با اشعار خود شادی‌ها و درد و رنج و آرزوهای این گروه از مردم را بیان کردند.

از قرن شانزدهم میلادی، شعر عاشقی در ارمنستان شهرت یافت، در قرن هفدهم در بین مردم متداول شد، و در قرن هجدهم به اوج شکوفایی خود رسید. پس از اشغال ارمنستان ادبیات عاشقی ارمنی ابتدا در خارج از ارمنستان (تفلیس، استراخان، استانبول، جوقای نو در اصفهان) شکل گرفت و بعدها در داخل ارمنستان نفوذ پیدا کرد. اوج ادبیات عاشقی ارمنی در قرن هجدهم مصادف با ظهور صیادانوواست. عاشوق‌های ارمنی در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی با درد و رنج مردم بیشتر آشنا بودند و اشعارشان بیانگر احساسات و عواطف معنوی مردم بود. از این‌رو، در میان مردم محبوبیت پیدا کردند.

در قرن ۱۹ میلادی، اشعار عاشوق‌های ارمنی در تمام زوایای زندگی مردم جای گرفت. عاشوق‌ها در تاریخ فرهنگی-اجتماعی ارمنستان نقش به‌سزایی داشتند. اشعارشان مایه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، انتقادی، عاطفی،

محسوس برای بیان معانی معقول، را رمز نامیده است. به نظر مؤلف‌گرایش به تأویل خود دلیلی است بر رمزی بودن زبان عرفانی و تأویل در آثار مولانا که مصادیق متعدد و متنوعی دارد. طبیعت و جهان هستی، به چشم مولانا، همانند کتابی پرمز و راز است و بخش مهمی از تعالیم عرفانی او به تأویل کتاب و سنت اختصاص دارد. در پایان مقاله، چند نمونه از تأویل‌های مولانا-تأویل طبیعت، تأویل قرآن و حدیث- ذکر شده است. ث. پ.

نوری‌زاده، احمد، «شعر عاشقی در ادبیات ارمنی»، پیمان، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار تابستان ۱۳۷۹، ص ۸-۱۱.

شعر عاشقی بیانگر احساسات و عواطف و آرزوهای مردم و در بین اقوام ترک و ارمنی و فرهنگ معنوی اقوام آسیایی و اروپایی حایز اهمیت است.

عاشق‌ها، با سرودن اشعار عاشقانه، با مخاطبان خود رابطه معنوی برقرار می‌کنند. عاشق برخاسته از میان توده‌های مردم است. از این‌رو، اشعار عاشقی نیز از فرهنگ مردم الهام می‌گیرد. عاشق به زبان آذری عاشیق و به زبان ارمنی عاشوق، آشوق یا گوسان (خنیاکر) خوانده می‌شود. عاشق‌ها معاصر راسپودها یا هراسپودها هستند. هراسپودها کسانی بودند که اشعار هومر را نقلی می‌کردند و آنها را در بین مردم رواج می‌دادند.

عاشوق‌های ارمنی افرادی برخاسته از میان مردم زحمتکش بودند که اشعار و تصانیف عاشقانه و حماسی خود را در مجالس اعیان و

در زمینه هنر معماری از اورارتوها تأثیر بپذیرند. پارسیانی که در اطراف دریاچه ارومیه ساکن بودند و، در اثر فشار از جانب اورارتوها و مادها، به نواحی جنوبی تر کوچ کردند تحت تأثیر فرهنگ و تمدن و هنر معماری اورارتوها قرار گرفتند.

پاس‌تون‌های کاخ پاسارگاد نیز تأثیر هنر اورارتو را نشان می‌دهد. در زمان شاهنشاهی کورش، تمدن اورارتو یکی از تمدن‌های مهم عصر بود. این تمدن چند سال پس از تولد کورش نیز به حیات فرهنگی-اجتماعی خود ادامه داد و در سال ۵۹۰ ق م زوال یافت؛ لیکن آثار آن در معماری دوره داریوش و پادشاهان پس از او محسوس است. هنوز آثار و نشانه‌هایی از فرهنگ و تمدن اورارتو در کاخ‌های تخت جمشید به چشم می‌خورد. کنگره‌های کارشده در ایوان شرقی کاخ آپادانا و کاخ سه‌دروازه نشانی از هنر اورارتویی را در بر دارد.

ز. ر.

فلاحتی، محمدرضا، «گیلکی در حال تغییر یا نابودی: بررسی زبان‌شناختی عوامل مؤثر در تغییر زبان»، *نامۀ فرهنگستان علوم*، شماره ۱۶، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷-۱۷۳.

در این مقاله که به حوزه جامعه‌شناسی زبان مربوط است، مسئله تغییر زبان و عوامل زبان‌شناختی مؤثر در آن از نظرگاه هلمز^۱، جامعه‌شناس معاصر زبان، بیان شده است.

در ابتدا، مؤلف به ذکر سه شیوه از معروف‌ترین شیوه‌های گسترش تغییر زبان اشاره

مذهبی، اخلاقی داشت. از مهم‌ترین عاشوق‌های ارمنی غول‌اکاز (ایاز)، باقراوغلی، شامچی ملکون، کیچیک‌نووا، و غول‌هوانس در قرن‌های هفدهم و هجدهم را می‌توان نام برد. صایادنووا، جیوانی و شیرین محبوب‌ترین عاشوق‌های ارمنی شمرده می‌شوند.

ز. ر.

نجاریان، آرمن، «تأثیر هنر و فرهنگ اورارتو بر تمدن‌های ماد و هخامنشی»، *پیمان*، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۷۲-۷۸. مطالعه تاریخ ایران باستان بیانگر این واقعیت است که تمدن‌های قدیمی از یکدیگر تأثیر فراوانی گرفته‌اند. این تأثیرات در زمینه‌های متعدد از جمله هنری بوده است. چنان که داریوش، پادشاه هخامنشی، در کتیبه کاخ شوش این تأثیرپذیری و یاری گرفتن از اقوام دیگر را به‌خوبی بیان کرده است.

آثار باستانی باقی‌مانده از دوران هخامنشیان نمودار زحمات صنعتگران و هنرمندان کشورهایی است که زیر سلطه ایران قرار داشتند. اورارتوها نیاکان اقوام ارمنی بودند و در همسایگی ایران سکونت داشتند. نویسنده، در این مقاله، تأثیر تمدن اورارتو در تمدن آشور و ماد و پارس را، با ذکر شواهد و به خصوص با مقایسه عناصری از آثار معماری به‌جامانده از آنها، شرح می‌دهد. قوم اورارتو در سال ۸۹۵ ق م به اوج قدرت رسید. جنگ‌های دولت اورارتو و آشور عامل مهمی در مبادلات فرهنگی و اجتماعی میان این دو کشور به شمار می‌رفت. هم‌چنین همسایگی مادها با اورارتوها موجب شد که مادها

1) Holmes

می‌کند: ۱) گروه به گروه. نظریه موجی هادسون دلالت بر این نوع تغییر دارد— تغییرات زبانی از مرکز تأثیر به اطراف گسترش می‌یابند درست مانند امواجی که پس از پرتاب سنگ در استخر پدید آید. هلمز عوامل سن، جایگاه اجتماعی، جنسیت و منطقۀ زندگی سخنگوی زبان را از عوامل مؤثر در مسیر و شدت این نوع تغییر می‌داند. ۲) سبک به سبک. در این شیوه، تغییر زبانی از گفتار یک فرد و از سبکی به سبک دیگر و سپس از فردی به فردی دیگر منتقل می‌شود و، پس از گسترش در اعضای یک گروه، به گروه‌های دیگر جامعه انتقال می‌یابد. ۳) واژه به واژه یا تغییر واژگانی. در این حالت وقتی تغییری در زبان روی می‌دهد، همه واژه‌هایی که بالقوه تحت تأثیر آن تغییر قرار دارند به طور همزمان تغییر نمی‌یابند و گسترش تغییر مستلزم گذشت زمان است.

بحث بعدی مربوط به انواع تغییر است که به دو گونه دارای اعتبار اجتماعی و تغییر محلی تقسیم می‌شود. در تغییر اجتماعی، تغییر از طبقات بالای جامعه به سمت پایین گسترش می‌یابد و، در تغییر محلی، عکس این جریان اتفاق می‌افتد.

در بحث دلایل تغییر زبان، سه مسئله مطرح شده است: ۱) جایگاه اجتماعی و تغییر زبان که طی آن یکی از عوامل مؤثر در ایجاد تغییر زبانی و گسترش آن در طبقات بالای اجتماعی معرفی شده است. ۲) جنسیت و تغییر زبان. هلمز و لیکاف^۲ بر این باورند که، هر وقت زنان در تغییر زبان نقش داشته باشند، زبان به سمت گونه‌ها و صورت‌های رسمی‌تر سوق می‌یابد. در حالی که حاصل تغییراتی که مردان در زبان ایجاد می‌کنند

پیدایش گونه‌ها و صورت‌های محلی و غیررسمی است. ۳) برخورد و تغییر زبان. هلمز سه دیدگاه را درباره این مسئله بیان می‌کند: گروهی بر این باورند که برخورد با یک تلفظ یا واژه جدید از طریق تلویزیون برای ایجاد تغییر در سطح جامعه کافی است. گروهی دیگر برخورد فرد به فرد را ضروری می‌دانند. گروه سوم تلفیق جمع این دو عامل را مؤثر می‌شمارند.

در بخش آخر مقاله، مؤلف، بر اساس آراء مذکور، به بررسی پدیده گسترش تغییر در زبان گیلکی می‌پردازد و نتیجه‌ای که می‌گیرد به این شرح است: ۱- طبقات بالای جامعه گیلکی زبان در ایجاد تغییر زبانی مؤثرند، از این طریق تغییرات به کل طبقات جامعه گسترش‌پذیر است. ۲- از طریق برنامه‌های تلویزیونی استان به زبان محلی می‌توان به غنای زبان فارسی و گسترش تغییرات طبیعی زبان مدد رساند. بازیگران سینما به عنوان الگوی اجتماعی فرهنگی در شکل‌گیری تغییرات زبان مؤثرند. ۳- برای ایجاد پیوندهای فرهنگی و سیاسی، لازم است نشست‌هایی درباره مسائل زبان گیلکی برگزار شود و، در سرشماری‌ها، مسائل زبانی نیز تفحص شود تا، بر اساس نتایج آن، آماری از گیلک‌هایی که از گیلکی به فارسی تغییر زبان داده‌اند به دست آید. در پایان مقاله، مؤلف، راه‌کارهایی را پیشنهاد می‌کند.

ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که پرسش نویسنده مقاله درباره «تغییر یا نابودی زبان گیلکی» در عنوان، در متن مقاله جایگاهی پیدا نکرده و اصولاً آنچه در باب عوامل تغییر زبان‌های

زمان نرون (۵۴-۶۸م) است. در شرق امپراطوری روم، در سال ۱۱۵م، بر روی سکه‌های یادبود با نقش چهرهٔ تریانوس، نام ارمنستان به‌شکل یونانی نگاشته شده است. ارمنستان بر روی این سکه‌ها به شکل زنی مجسم شده است. سکه‌هایی با تصویر آنتونیوس پیوس نیز مناسبات ارمنستان و روم را نشان می‌دهد.

در دوران ساسانیان، نام ارمنستان بر روی سکه‌های ساسانی نیز دیده می‌شود. مرکز اصلی ضرب سکه‌های ساسانی در ارمنستان شهر دوین بوده است. سکه‌های ساسانی سکه‌های نقره‌ای بودند که بر روی آنها نگاشته‌هایی به زبان پهلوی وجود داشت و چهرهٔ پادشاهان ساسانی بر آنها نقش بسته بود.

در عصر اسلامی، در ارمنستان، سکه‌هایی با نگاشته‌هایی به خط کوفی ضرب شد. نام ارمنستان بر روی سکه‌هایی که از دوران امویان به جا مانده دیده می‌شود. در عصر عباسی نیز، ضرب سکه‌هایی حاوی نام ارمنستان ادامه یافت. سکه‌های باقی‌مانده از این دوران نشان می‌دهد که این روند حدود دویست سال دوام داشت. نام ارمنستان بر روی این سکه‌ها به صورت ارمینیه نوشته می‌شد.

با برکناری حکومت عباسیان، امرای بنی‌ساج در ارمنستان روی کار آمدند و سکه‌های برنز و نقره و گاهی طلای خود را رواج دادند. این سکه‌ها با سکه‌های دوران عباسی تفاوت چندانی نداشت.

پس از حکومت ساجیه، نام ارمنستان روی سکه‌های نقرهٔ دایسام‌بن‌ابراهیم گردنژاد دیده می‌شود. در حقیقت، این سکه‌ها (متعلق به

محلی طی مقاله مطرح شده اختصاصی به گویش گیلکی ندارد.

ث. پ.

موشیقان، خ. ا. «نام ارمنستان بر سکه‌های کهن و قرون میانی» پیمان، شمارهٔ ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۳-۷۲.

در این مقاله، سکه‌هایی که نام ارمنستان بر روی آنها نقش بسته معرفی شده است. قدیم‌ترین آنها به پایان قرن اول پیش از میلاد تعلق دارد. نام ارمنستان با حروف لاتینی بر روی یک سکه نقره‌ای سال ۳۲-۳۱ ق م، متعلق به سردار رومی مارکوس آنتونیوس، نقش بسته است. بر روی این سکه تصویر این سردار و کلثوپاترا، ملکهٔ مصر، دیده می‌شود. در قرن هفتم پیش از میلاد و پس از آن، سکه‌های موجود فاقد نوشته‌اند. ولی، در دوران کلاسیک و در عصر هلنی و دوران امپراطوری، نگاشته‌ها روی سکه‌ها ظاهر شده‌اند. در این زمان، ضرب سکه با نقوش حیوانی و گیاهی و با محتوای توتمیستی منسوخ شده و ضرب نقوش اساطیری و تصاویر شاهان جای آن را گرفته بود. علاوه بر آن، سکه‌هایی با حروف لاتینی و یونانی رواج پیدا کردند.

سکه‌های مربوط به سال‌های ۲۰-۱۸ ق م، که در روم ضرب شده‌اند، به پیروزی روم بر ارمنستان اشاره دارند. در این سال‌ها، سکه‌های نقره‌ای با نام ARMENIA ضرب شده‌اند. بر روی سکه‌های یادبودی که در زمان امپراطوری روم ضرب شده‌اند نام ارمنستان با حروف لاتینی به صورت ARMENIAC نقش بسته است. از جمله سکه‌های معروف، دودرهمی‌ها و نیم درهمی‌های نقرهٔ

سکه‌ها به همان صورت ارمینیة دیده شده است. هم‌چنین، پس از دوران سلجوقیان، در دورۀ ایلخانان مغول، سکه‌های نقره‌ای با نام ارمستان با تاریخ ۷۱۹ هجری وجود دارد. آخرین اثر موجود از سکه‌های نقره با نام ارمستان مربوط به دورۀ جلایریان (قرن ۹/۸ هجری) است. بدین‌سان، سکه‌های نقره با نام ارمستان از وجود روابط با امپراطوری روم، ساسانیان، امویان، عباسیان، ساجیان، امیران آل بویه، ایلخانان مغول و جلایریان نشان دارد.

ز. ر.



۳۳۰ ه) یگانه مدرک سکه‌شناسی شمرده می‌شود که نام ارمستان به صورت عربی ارمینیة بر آنها ضرب شده است. آنها در شهر دوین ضرب شده‌اند و در لنینگراد نگه‌داری می‌شوند.

در زمان آل بویه نیز، نام ارمستان به صورت ارمینیة بر روی سکه‌های طلای رکن‌الدوله حسن حک شد. رواج سکه‌های عربی در ارمستان تا اوایل قرن چهارم هجری ادامه داشت و از آن پس به‌طور محسوسی کاهش یافت.

پس از گذشت سه قرن و به پایان رسیدن قدرت ترکان سلجوقی نام ارمستان بر روی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی